



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پایان نامه

جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد در تاریخ

موضوع:

تاریخ حکام نیشابور به استناد سکه ها

استاد راهنما:

سرکار خانم دکتر آرمیدخت مشایخ فریدنی

استاد مشاور:

جناب آقای ناصر ن. چگینی سرکار خانم دکتر هایده لاله

نگارش

عبدالله قوچانی

سال ۱۳۷۵

تشکر و قدردانی

بجهت تکمیل این رساله اینجانب مدیران راین مائیز او که کمالات و استعدادهای بزرگوار می‌باشند و در این باره تألیف کرده‌ام می‌نمایم که از استاد راینما سرکار خانم دکتر آرزو می‌دخت مشایخ فریدنی و اساتید مشاورین جناب آقای ذاکر نوروززاده چگینی و سرکار خانم دکتر دایانه لاله که از تشکر می‌نمایم. همچنین از مسئولین پژوهشگاه تاریخی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به ویژه جناب آقای آزادگان معاونت پژوهشگاه سپاس دارم.

عبدالله قوچانی

ذہر سات مطالب

صفحہ	عنوان
۶	پیشگفتار
۸	مقدمہ
۱۴	احمد بن اسماعیل
۱۶	نور بن احمد
۱۹	نوح بن نوح
۲۲	عبداللہ بن نوح
۲۶	منصور بن نوح
۲۹	ابوالحسن محمد سیمجور
۳۱	نوح بن منصور
۲۴	حسام الدولہ تاش
۳۷	ابوعلی بن سیمجور
۴۰	منصور بن نوح
۲۳	بکتوزن
۴۵	عبداللہ ملک بن نوح
۴۷	محمود غزنوی
۵۱	محمد غزنوی

صفحه	عنوان
۵۳	مسعود غزنوی
۵۵	طغرل یک
۵۹	ابوالفتح ملکشاه بن محمد
۶۱	سنجر
۶۴	محمد بن محمود بن ملکشاه
۶۶	سکه هائی با نام سه خلیفه مخلوع
۷۳	سکه هائی پیوندی
۷۸	پشت و روی سکه
۸۳	ارزش سکه و روش معامله با آن
۹۱	قراضه
۹۵	سروش ریز
۱۰۱	تعداد قالبهای یک سال در یک شهر
۱۱۹	منابع
۱۲۳	سکه هائی پژوهشگاه شهید رجائی

پیشگفتار

در سال ۱۳۷۰ یک گنجینه عظیم سکه‌های طلا در شهر ری به صورت تصادفی به دست آمد. صورت امر از این قرار است که در حیاط پژوهشگاه شهید رجائی شهر ری جهت ایجاد ساختمان شروع به گود برداری نمودند. خاکهای بدست آمده از آن حیاط در کامیون ریخته و به بیابانهای افسریه برده و در آنجا خالی می‌کردند. در همان زمان شهرداری شهر ری که احتیاج به خاک جهت استفاده از آن در تسطیح پارک دیلمان داشته، پیشنهاد می‌کند که بقیه خاکها به پارک منتقل و در آنجا ریخته شود. کامیون حامل خاک شروع به خالی کردن خاک در آن پارک می‌کند و هم زمان با ریزش خاک، صدها سکه طلا از لابلای خاکها روی زمین ریخته و افراد حاضر در پارک با دیدن این صحنه به خاکها هجوم آورده و هر یک آنچه در توان داشت سکه به یغما برد.

این خبر همان زمان به مدیریت میراث فرهنگی تهران رسید و فوراً چند کارشناس به آن پارک و محوط پژوهشگاه شهید رجائی اعزام نمود و آن کارشناسان با الک کردن خاکها در چند روز موفق به پیدا کردن حدود ۲۴۰ سکه طلا شدند و به میراث فرهنگی تهران منتقل کردند.

همزمان نیروهای کمیته وقت تعداد زیاد از افرادی که در پارک حضور داشته‌اند و یا پس از پرس و جو متوجه شدند که به نیمی افراد در آن زمان در پارک حضور داشتند دستگیر کردند و موفق شدند که از آنها حدود ۱۸۰۰ سکه به دست آورند که این سکه‌ها بعداً تحویل بانک مرکزی شد.

نیروهای انتظامی نیز بعداً در چند نوبت موفق به پیدا کردن حدود ۲۵۰ سکه از قاچاقچیان آثار عتیقه شدند و آنها اعتراف کردند که این سکه‌ها متعلق به پارک دیلمه آن است. این سکه‌ها تحویل میراث فرهنگی تهران شد.

پس از رسیدن «کتاب به میراث فرهنگی تهران» این سکه‌ها به بانک مرکزی تحویل داده شدند و در آن روز روی این مجموعه سکه شد و نگارنده با اشتیاق تمام این امر را پذیرفتم که حاصل مطالعه آن سکه در این رساله منعکس است. متأسفانه تا این تاریخ موفق به دست یافتن سکه‌ها در بانک مرکزی نشده‌ام. اما باید که مکاتبات متداوم با آن بانک انجام شد که آخرین مکاتبه از طرف مقام معظم وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌دلیل آفای هتک میراثیوم بوده است.

مقدمه

کتاب به با وسکه‌ها جهت روشن نه‌ودن پاره‌ای از مسائل تاریخی اولین سند است که باید بررسی شود و هر مورخ در راد این مورد را مدنظر دارد. با بررسی سکه‌های پژوهشگاه شهید رجائی به مسائل تاریخی جالب توجه برخورد کردم. با توجه به اینکه قسمت اعظم این سکه‌ها ضربه نیشابور است (۱۳۰۰ هـ ق) لذا به صورت کلی به سکه‌های این سده و سکه‌های از پرداخت به سکه‌های دیگر مانند سکه‌های طاهری، عباسی، آل بویه، کاکویه، قاجاریان، قاجاری از سلسله قاجاریان، نواز محمد ایران صرف نظر شد. اما با توجه به اینکه کل این مجموعه از لحاظ تقابل سکه‌ها قابل از مارج کردن عنوان رساله تنظیم شده است لذا امکان حذف سکه‌های ضرب شهرهای دیگر غیر از نیشابور مسیر نشد و علت آن ارجاعات مکرر سکه‌های مختلف به همدیگر است.

روی سکه‌های ضرب غیر نیشابور نیز مطالب جالب توجه دیده می‌شود مانند سکه‌های کاکویه است که نام سرسلسله آن خاندان روی سکه همواره به شکل محمد بن دشمنزار می‌باشد در حالیکه این نام اشتباهاً در متون تاریخی به شکل محمد بن دشمنزار آمده است.

بررسی سکه‌های ضرب نیشابور در این مجموعه مستلزم آماده کردن شرح حال حکامی که در نیشابور سکه ضرب کردند با تلفیق متون تاریخی و مطالب آمده روی سکه می‌باشد که شرح حال آن حکام در ابتدا آمده است و شامل حکام سامانی و کارگزاران آنها، حکام غزنوی و حکام سلجوقی است.

در حین بررسی سکه‌ها، مطالب تاریخی مهم دیگر و مواردی در ارتباط با سکه‌شناسی به دست آمد و لازم بود که در این رساله مطرح شود. یکی از موارد مهم تاریخی، ضرب سکه در زمان سامانیان با ذکر نام خلیفه‌ای که از خلافت خلع شده و حتی بعد از مرگ آن خلیفه، بر روی سکه‌ها و امتناع از ذکر نام خلیفه وقت است و این امر برای چند سال ادامه می‌دادند.

این امر در مورد سکه خلیفه عباسی برانداخته شد. در یک مورد نیز نام هیچ خلیفه روی سکه نیاوردند مانند عباسی که بنویس که در سال ۴۴۶^{۷۵۲} آن را که بدو نام خلیفه ضرب کرد در این ذیل که "تست عزرا" که "ای" با نام سکه خلیفه مضارع" می‌باشد به ارائه این سکه‌ها و بحث درباره علت این امر پرداخته شد.

یک مبحث دیگر که در ایران تاکنون مطرح نشده است، تحت عنوان "سکه‌های پیوندی" مطرح شد و موضوع آن ضرب سکه‌ای که دو طرف آن متعادل به یک حاکم نمی‌باشد بلکه به دو حاکم مختلف تعلق دارند و یکی از آن دو در زمان ضرب سکه فوت شده است. در مورد این موضوع بحث و بررسی انجام گرفت و به علل آن اشاره شد.

در حین شرح حال حکام مختلف، به جملاتی مانند روی سکه یا پشت سکه

آمده است. لذا جهت مشخص کردن اینکه کدام طرف سکه روی آن است و کدام پشت می باشد، یک فصل به این امر اختصاص داده شد و با استفاده از متون تاریخی و ادبی، این امر که مورد اختلاف سکه شناسان می باشد مشخص شد و به این نتیجه رسیدیم که روی سکه در مورد سکه هائی که نام هیچ حاکم بر آن نیامده است مانند سکه های اموی و ایزید در دوره عباسی، طرفی است که جمله "لا اله الا الله وحده لا شریک له" بر آن آمده است و در مورد سکه هائی که نام حاکم وقت که سکه را ضرب کرده است، روی سکه آن طرف است که نام آن حاکم بر آن ضرب شده است. بنابراین روش در قدیم کلیه سکه های این رساله استفاده گردید.

دره "ون تاریخی اشاراتی شده است که فلان خلیفه یا حاکم به اشخاص مرتجع پاداش داد. در رقم آن را نیز ذکر می کند و مثالی که در داد سکه مختلف رقم مبالغ مورد معامله ذکر می شود در وزن سکه های این سکه ملاطفت شده که این سکه ها از آن است و نام آن دینار می باشد از لحاظ وزن یک مان نباشد. حال اگر بخایند یا با کسی پاداشی مثلاً یک هزار دیناری به کسی بدهد آیا هزار عدد سکه می دهد؟ و یا اینکه اگر شخص در قدیم جهت خرید مثلاً ده دینار پرداخت می کند آیا ده عدد سکه می دهد؟

در مورد ارزش سکه و روش معامله با آن یک فصل ترتیب داده شد و با استفاده از متون تاریخی و ادبی این مسأله روشن شد و به این نتیجه رسیدیم که پاداش و داد و ستد معمولاً به این صورت است که وزن آن رقم را می دهند و با توجه به یکسان نبودن وزن سکه در واقع مبالغ پاداش و یا داد و

ستند می تواند از لحاظ تعداد کمتر و یا بیشتر از رقم ذکر شده باشد ولی از لحاظ وزن شرعی که دینار یک مثقال است، وزن آن رقم دقیقاً مطابق است با وزن شرعی یعنی مثلاً اگر پاداش هزار دیناری و یا داد و ستدی یک هزار دیناری انجام شد، در واقع پاداش و یا داد و ستد هزار مثقالی است و وزن آن مد نظر می باشد نه عدد است.

استفاده از این روش در معامله سکه یک موضوع دیگری به وجود آورد و آن هم، گاهی جهت وزن دقیق باید سکه ای را به چند قطعه برید و به تکه ای بریده شده سکه در متون تاریخی و ادبی "درانه" می گویند و این امر باعث ایجاد یک فصل در مورد قراضه و ارزش آن شد و با بررسی متون تاریخی و ادبی، در یک فصل به این امر اختصاص یافت.

بر روی پادشاهیه شهر سکه برای اولین بار با پشت رفته و نوشته در شهر در مورد این حرف، یا حروف، اختلاف نظر میان سکه نگاران وجود دارد. با بررسی متون تاریخی و ادبی، مدنی این حروف به دست آمد و در واقع آن حروف، رمز سکه است و حرف اول نسبت ناظر بر دارالضرب می باشد. ناظر دار الضرب معمولاً قاضی القضاة آن شهر است و مسئول نظارت بر عیار سکه و از وظایف او در شروع هر سال جدید هجری، از بین بردن قالبهای سال قبل و قالبهای فرسوده و آسیب دیده می باشد.

برای حروف رمز در این رساله یک فصل جداگانه ترتیب داده شد و این امر مورد بحث و بررسی شد.

یک مورد دیگر که در سکه های نیشابور جلب توجه می کند، وجود سکه های زیاد در ارتباط با یک سال است، که به با دقت در یکایک سکه ها

مشخص شد که بیشتر آنها با قالب یکسان ضرب نشده‌اند یعنی پس از مدتی در اثر فرسودگی یا آسیب دیدن قالب سکه پس از ضرب تعداد زیاد سکه، یک قالب دیگر در همان سال می‌ساختند و با آن سکه ضرب می‌کردند. و این امر نیز مورد بررسی قرار گرفت و از لحاظ وضعیت اقتصادی حائز اهمیت فراوان می‌باشد. این بحث و بررسی تحت عنوان "تعدد قالبهای یک سال در یک شهر" قرار گرفت.

بر سکه‌های مورد بحث چند متن یا آیه همراه پشت یا روی سکه می‌آید و جهت پرهیز از تکرار این آیات در متن آن ۸۱ بار متن آن قلمی یک بار روی سکه ش ۱، ش ۲، ش ۳۶ آورده شد. و بقیه سکه‌ها به این سه سکه ارجاع شد و هم‌چنین اصطلاحات است دیگر در متن هر سکه مانند ش. س یا ش. ن آمده است که متناظر از کایه این اصطلاحات به شرح زیر است:

ارجاع دایره سکه به ش ۱ : محمد رسول الله ارساه بالهدی و دین الحق لیظهره
علی الدین کله

ارجاع متن سکه به ش ۱ : لا اله الا الله وحده لا شریک له

ارجاع متن سکه به ش ۲ : محمد رسول الله

ارجاع دایره سکه به ش ۳۶ : لله الامر من قبل و من بعد و یومئذ یفرح المؤمنون
بنصر الله

ارجاع دایره سکه به ش ۳۶ : محمد رسول الله ارساه بالهدی و دین الحق لیظهره علی
الدین کله و لو کره المشرکون

ش ۴ : شماره سکه نزد مدیریت میراث فرهنگی

تهران است

ش ۰ ن : شماره نگاتیو عکس سکه نزد میراث فرهنگی

تهران است

خط مورب / : نشانه انتهای سطر روی سکه

[] : نشان داده اینکه متن داخل قلاب از نگارنده

اضافه شده است و روی سکه - از بین رفته

است.

در ضمن اندازه کلیه عکس های سکه باید یک یکم است و به اندازه شود

سکه ها است .

احمد بن اسماعیل صاعانی (۲۹۵-۳۰۱ ه. ق)

این بزرگوار احمد بن اسماعیل بن ابی اسحاق صاعانی، ساکن در ماوراء النهر است^(۱) که پایه‌گذار او شهر بنی‌الهاشمی، مرکز شهرهای خراسان، ری، خراسان و سیستان بوده است.

در مورد خصایص اخلاقی او مؤلفان مجهول تاریخ و القصص چنین می‌نویسند: «این حکام صاعانی بدستبردند و تا از کار و دین و عام از وی ستوده شدند»^(۲).

پدر وی در شهر بهار شنبه چهاردهم صفر سال ۱۹۵ ه. ق درگذشت^(۳) که پس از آن او قدرت را به دست گرفت.

شروع حکومت احمد بن اسماعیل سال ۲۹۵ ه. ق است و با سه خلیفه عباسی المکتفی بالله و المقتدر بالله معاصر بود^(۴).

او در روز پنجشنبه بیست و یکم ماه جمادی الآخر ۳۰۱ ه. ق در خواب بدست غلامانش کشته شد و به «الشهید» مقبّل گشت^(۵). در حالیکه سمعانی

۱- الصنفی بالوفی بالوفیات، ج ۶، ص ۲۴۹

۲- مجهول التاريخ والقصص، ۲۸۷ ۳- گردیزی، تاریخ گردیزی، ص ۱۲۵

۴- گردیزی، همان مرجع، ص ۲۱۸

۵- گردیزی، همان مرجع، ص ۱۲۹

کشته شدن احمد بن اسماعیل در "فربر" بر رود جیحون شب یکشنبه بیست و سوم جمادی الآخر سال ۳۰۱ هـ. ق ذکر کرده است.^(۱)

مدفن احمد بن اسماعیل در به خارا می باشد. مدت حکومت او با حرف ابجد (و هیز) آوردند که مساوی است با شش سال و پنج ماه و هفده روز است.^(۲) از این مدت دقیقی حکومت او، می توان روز و ماه به دست گرفتن قدرت را (که در متون تاریخی ذکر نشده است) به دست آورد و می توان گفت شروع حکومت احمد بن اسماعیل روز چهارم ماه محرم سال ۱۹۵ هـ. ق بوده است اما این تاریخ یک ماه و ده روز پس از درگذشت پدر او اسماعیل بن احمد می باشد و این امر آن مدت دقیقی حکومت را نمی گذارد. با احتساب تاریخ دقیقی فوت اسماعیل بن احمد و فوت احمد بن اسماعیل می توان گفت که مدت حکومت او شش سال و سه ماه و ده روز بود. ناصح جربادقانی مدت حکومت او را شش سال و سه ماه ذکر کرده است.^(۳) در این رساله سه سکه طلا از این حاکم و سه سکه نقره دارد (ش ۵۱۲، ۵۱۴ و ۵۵) که دو عدد آن در سال ۲۹۷ د. ق و سمر می در سال ۳۰۰ هـ. ق ضرب شدند. دو سکه اول با یک سر سکه (قالب) به ضرب رسیدند.

۱- السمعانی، الانساب، ج ۳، ص ۲۰۲ - ۲- گریزی، همان م. ج، ص ۱۴۹

۳- ناصح جربادقانی، ترجمه تاریخ یمنی، ص ۲۰۰

نصر بن احمد بن اسماعیل (۳۰۱-۳۳۱ ه.ق)

نصر بن احمد بن اسماعیل سامانی ماقب به امیر سعید و مکنی به ابوالحسن و مشهور به امیر نصر سامانی است. او سرزمین و سرزترین سلاطین سامانی است. در سال ۲۹۳ ه.ق در بخارا متولد شد و پس از پدرش احمد که در سال ششم سلطنت به دست غلامانش در پیست و یکم جمادی الآخر ۳۰۱ ه.ق که بمشاوره برادران قزاقان و غلامان که در آن وقت در بخارا بودند و در آن وقت که نصر بن احمد مدت ۳۰ سال مکنی بود و در عهد امارات ارباب این کندی که برادر خاصش شد عم پدر او اسحاق بن احمد که در سمرقند مقیم بود و پسر او الیاس بن اسحاق پیشرو او که بود و به سوری بخارا لشکر کشید. نصر بن احمد، جهت مقابله با عم پدر خود اسحاق، حمویه بن علی را به مقابله با او فرستاد و اسحاق در ماه رمضان ۳۰۱ ه.ق شکست خورد^(۱). نامه شکست خوردن عم پدر او (ابن الجوزی: عم او اسحاق بن اسماعیل) در اول محرم سال ۳۰۲ ه.ق به خلیفه رسید که در اثر آن فرمان حکومت خراسان برای نصر بن احمد فرستاد^(۲).

۱-گردیزی، تاریخ گردیزی، ص ۲۲۹

۲-ابن الجوزی، المنتظم فی تاریخ الامم والملوک، ج ۱۳، ص ۱۰۵

در هرات حسین بن علی عصیان کرد و قصد نیشابور نمود که نصر بن احمد از بخارا احمد بن سهل را به نیشابور جهت مقابله با حسین بن علی فرستاد و در ماه ربیع الاول سال ۳۰۶ هـ. ق پس از جنگ شدید حسین بن علی در شهر نیشابور دستگیر شد.^(۱)

وزیر و صاحب تدبیر او ابو عبد الله محمد بن احمد الجعفیانی بود که مردی
دانا و هوشمند است. (۲)

مکان کاکور، سردار دیلمی که به تصرف خراسان تاخته بود، در سال ۱۲۹ هـ. ق توسط ابوعلی احمد بن ابی طاهر دروازه ری کشته شد.^(۳) ابوعلی ماکور در سال ۲۲۸ هـ. ق به اداره شهر ری و امور گماشته شده بود^(۴) و او اولین کسی که نسبت به سکه ضرب کرد و نام خود بر سکه آورد.^(۵)

در زمان نسرین اسمد اش مخاص دیگران نیز قیام کردند از جمله برادران
نسرین اسمد ابراهیم و یحیی و محمد و موسی باشند و مدت قیام در بنارا مستقل
شدند اما بعداً قیام آنها شکست خورد (۴).

مدت حکومت زهر بنی ۱۰۰ با حروف ابجد (ل ح کز) آوردند^(۷) که مساوی است با سی سال و هشت ماه و بیست و هفت روز است در حالیکه سمعانی مدت حکومت او سی سال و یک ماه و چهار روز ذکر کرده است^(۸).

نصر بن احمد با چهار خليفه عباسى، المقتدر بالله، القادر بالله، الرضى بالله و

۱- گردیزی، همان مرجع، ص ۲۳۱
۲- گرویزی، همان مرجع، ص ۲۲۹

۳-گردیزی، شمان مرجع، ص ۲۳۷

۵- زامباور، نسب نامہ خلیفہ و شہر داران و سیر حوادث تاریخی اسلام، ص ۳۱۵

۶- گردیزی، همان مرجع، ص ۱۱۵

٨- السمعاني، الانساب، ج ٣، ص ٢٠٢

المتقی بالله معاصر بود. در مورد سال پایان سلطنت نصر و پایان عمر او مؤرخان اختلاف دارند و بعضی مرگ او را به سال ۲۳۰ یا ۲۳۱ ه. ق ذکر کردند اما سکه‌ها که مدرک دست اول است نشان می‌دهد که آخرین سکه‌های ضرب او در سال ۲۲۱ ه. ق بوده است و در این رساله چهار سکه ضرب سال مذکور موجود است (ش ۹۸ تا ۱۰۱).

تاریخ دقیقی در گذشت نصر بن احمد شب پنجم شنبه ۱۷ رجب، سال ۲۲۱ ه. ق می‌باشد.^(۱) ابن کثیر وفات نصر را در سال ۲۲۱ ه. ق ذکر می‌کند و این امر اشتباه محسوس است و باید منظور او سال به قدرت رسیدن او باشد. این دروغ اشاره می‌کند که قبل از فوت مدت یک سال و یک ماه مبتداً به سل شد. او در خانه خود محبوس در آنجا می‌گذشت و به لباس تمیز و پابرهنه به روی آن سال مرگ رفت و نماز در آنجا می‌گذاشت و از منکرات و گناهان دوری می‌کرد.^(۲)

از نصر بن احمد در این رساله کلاً ۴۷ سکه موجود است (ش ۵۶ تا ش ۱۰۱). قاضی القضاة شهر نیشابور در سالهای مختلف حکومت خود در همواره متغیر بود که حرف اول نسبت یا نام آنها بر روی سکه‌های (ش ۶۳، ۶۶، ۷۸، ۲۰۰، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۲ تا ۱۰۱) آمده است و جهت اطلاع بیشتر به فصل حروف رمز رجوع شود.

۱- ال معانی، همان مرجع، ج ۳، ص ۲۰۲

۲- ابن کثیر، البداية والنهاية، مجلد ۶، ج ۱۱، ص ۲۱۸

نوح بن نصر (۳۳۱-۳۴۱ ه. ق.)

نوح بن نصر سامانی چهارمین حاکم و اساساً بنی‌الدین مطایب بن امیر حمید است^(۱) در حالیکه لقب او روی سکه‌های ضرب سال (۳۴۰-۳۴۱ ه. ق.) المملک‌الهدیه است (ش ۱۴۱ تا ۱۵۸).

او با دو خلیفه عباسی المستقر بالله و الموفق بالله و با اینک که در سال ۳۴۳ ه. ق. خلیفه عباسی المستکفی بالله از خلافت خراجش را از نوح بن نصر واره نام این خلیفه را روی سکه‌های خود ضرب می‌کرد و حاضر به ذکر نام المظفر بالله روی سکه‌ها نبود و این امر حتی پس از درگذشت المستکفی بالله در سال ۳۳۸ ه. ق. ادامه داد و تا پایان حکومت خود (سال ۳۴۳ ه. ق.) این امر بر همین منوال بود (جهت اطلاع بیشتر به فصل سکه‌دانی با نام سه خلیفه مخلوع رجوع شود).

نوح بن نصر در ماه شعبان ۳۳۱ ه. ق. به قدرت رسید و دوازده سال و سه ماه امیری کرد و در ماه ربیع الآخر سال ۳۴۳ ه. ق. درگذشت^(۲).

سمعانی تاریخ دقیق فوت نوح بن نصر را نیست و پنجم ربیع الآخر سال ۳۴۳ ه. ق. آورده است^(۳).

۱- گردیزی، تاریخ گردیزی، ص ۲۳۹
۲- گردیزی، همان مرجع، ص ۲۳۹

۳- السمعانی، الانساب، ج ۳، ص ۲۰۲

و دقیق‌تر از آن ناصح جریادقانی آورده است که روز سه‌شنبه نوزدهم ربیع
الآخر آن سال است.^(۱)

مؤلف کتاب مجمل فصیحی سال به قدرت رسیدن او ۲۲۰ هـ. ق ذکر می‌کند^(۲) و
این امر صحیح نیست و سکه‌های موجود در این رساله نشان می‌دهد که
نصر بن احمد تا سال ۲۳۱ هـ. ق حاکم بوده است و نوح بن نصر از سال ۲۳۱
هـ. ق سکه ضرب کرده است.

گردیزی مدت حکومت نوح بن نصر را با عروفت ابن ابی (پنج دز) آورده که
مساوی است با سیزده سال و چهار ماه و چهار روز می‌باشد^(۳) این تاریخ
دقیق مغایر است با مدت (دوازده سال و سه ماه) که نوح گردیزی ذکر کرده
است.^(۴)

ناصر جریادقانی تاریخ نواحی سال و سه ماه و شانزده روز را ذکر کرده است و
را ذکر کرده است.^(۵)

وزارت و شال تاریخ به ابوالفضل محمد بن ابی‌الحکم را ذکر کرده^(۶)
از مخالفان نوح بن نصر می‌توان از ابوالعباس احمد بن حمویه نام برد که
اسماعیل بن نصر را (برادر نوح) ولیعهد نصر بن احمد کرده بود و به رسمیت
می‌شناخت ولی با درگذشت اسماعیل قبل از درگذشت پدر خود به قدرت
نرسید اما کینه ابن حمویه همیشه در دل نوح بن نصر بوده است تا عاقبت بعد

۱- ناصح جریادقانی، ترجمه تاریخ یمنی، ص ۲۰۰

۲- فصیحی احمد خوافی، ص ۵۲، فصل فصیحی، ج ۲، ص ۵۲

۳- گردیزی، همان مرجع، ص ۲۱۸

۴- ناصح جریادقانی، همان مرجع، ص ۲۰۰

۵- گردیزی، همان مرجع، ص ۱۳۹

از دستگیری ابن حمویه او را مورد عفو قرار داد^(۱).

یکی دیگر از مخالفان نوح بن نصر، محمد بن طغان حاجب بود که به دستور نوح این شخص و پسرش کشته شدند^(۲).

وزیر نوح بن نصر که الحاکم بود در سال ۴۳۱ هـ. ق به علت بد تدبیری و به دستور نوح کشته شد^(۳).

در مدت حکومت نوح فتنه‌های دیگر و جنگ‌های مختلف رخ داد که او مجبور به ترک بخارا و پنا بردن به شهرهای مجاور می‌شد و حتی از تاج و تخت جدا می‌شد اما دربار مقام ارزشمندی را داشت و با آوردن او جنگ‌هایی با رکن الدوله حسن بن بویه کرد که انجام آن پرداخت مالیات و بیست هزار دینار به نوح شد^(۴).

نوح بن نصر نهایت در ماه ربیع الثانی سال ۴۴۱ هـ. ق اثر بیماری در گذشت. ابن کثیر در شرحی خبری عینی ذکر می‌کند که ابوعلی سینا در اثر مواجهه نوح بن نصر با دزدان ارزندهای دریاست کرده است و مسئول کتابخانه او شد^(۵). این خبر به هیچ وجه صحیح ندارد چون که نوح بن نصر در سال ۴۴۳ هـ. ق در گذشت و ابوعلی سینا در سن ۵۸ سالگی در سال ۴۲۵ هـ. ق فوت شده است^(۶).

احتمال دارد این مورخ نوح بن نصر را با نوح بن منصور که تا سال ۳۸۷ هـ. ق حکومت کرد اشتباه گرفته است.

۱-گردیزی، همان مرجع، ص ۳۴۰ ۲-گردیزی، همان مرجع، ص ۳۴۰

۳-گردیزی، همان مرجع، ص ۳۴۱ ۴-گردیزی، همان مرجع، ص ۳۴۸

۵-ابن کثیر، البداية والاهایة، مجلد ۶، ج ۱۲، ص ۴۵

۶-ابن کثیر، همان مرجع، مجلد ۶، ج ۱۲، ص ۴۵